

حلقه صفویه در انگلستان

(۱)

دومین حلقه بین‌المللی ایران صفویه* به مدت سه روز، از نیمروز چهارشنبه هشتم تا نیمروز شنبه یازدهم سپتامبر ۱۹۹۳م. مطابق ۱۷ تا ۲۰ شهریور ۱۳۷۲ش. در سالن کوچک کتابخانه پیشین پمبروک کالج (تأسیس میانه قرن ۱۴م.)، یکی از کهنترین کالج‌های سی‌گانه دانشگاه کمبریج (تأسیس قرن ۱۳م.) در انگلستان برپا شد [اولین حلقه از ۷ تا ۹ مارس ۱۹۸۹م. در پاریس برگزار گردیده بود].

این حلقه علمی به کوشش پروفیسور چارلز مل ویل، استاد ایران‌شناسی این دانشگاه با کمک‌های مالی مؤسسات مختلفی مانند انجمن دوستداران زبان فارسی در لندن و کمبریج، دانشگاه کمبریج و انستیتوی بریتانیایی ایران‌شناسی به‌نحو شایسته‌ای برگزار شد.

در این حلقه تعداد ۲۰ تن از استادان و پژوهشگران در تاریخ ایران (از جمله دو تن از ایران و یک تن از ژاپون و بقیه از انگلستان و فرانسه و امریکا) شرکت داشتند. غیر از اینان، چند تن دیگر به‌عنوان رؤسای برخی از جلسات مانند راجر سیوری، از شیوخ تاریخ‌نگاری صفویه و استاد بازنشسته در کانادا (مسن‌ترین و خوش‌برخوردترین شخصیت جلسات)؛ پتر ایوری، از ایران‌شناسان انگلستان و استاد بازنشسته تاریخ و ادب ایران در دانشگاه کمبریج؛ جان کوپر، استاد زبان فارسی در دانشگاه کمبریج؛ و شهریار عدل، پژوهشگر هنر ایران از مرکز پژوهش‌های علمی پاریس حضور داشتند. جز این افراد،

* The Second International Round Table on Safavid Persia.

حدود ۱۵-۱۰ نفری هم به‌عنوان علاقه‌مندان به این‌گونه مطالب تاریخی که ساکن همین دیاراند در جلسات شش‌گانه شرکت می‌کردند، جز در پنجمین جلسه ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۳م. که در حدود ۳۰ نفری نیز از لندن و سایر مناطق انگلستان، رسماً دعوت شده بودند تا بتوانند نه‌تنها از نزدیک شاهد گوشه‌ای از پژوهشهای دست‌اندرکاران تاریخ و هنر عصر صفویه باشند، بل در مجلس مهمانی شام مخصوص این حلقه علمی هم شرکت جویند.

اصولاً هدف از این نوع حلقات، که در واقع همچون حلقات قدیم درس در قرون وسطی در همین دارالفنون هشتصد سالة کمبریج وجود داشته و جنبه خصوصی دارد و به‌همین دلیل آگهی و اعلانی متداول همچون برپایی کنفرانس‌ها و کنگره‌ها معمول آن نیست، این می‌باشد که پژوهشگران یک رشته ویژه از معارف انسانی، دانش خود را با همکاران و همقطاران‌شان در میان گذارند و مانند همان مدارس قدیم درس و حوزه‌های علمی و طلاب علوم دینی در گذشته، به‌گفتگو و پرس‌وجو پردازند و از اندیشه‌ها و پیشنهادها و دیدگاههای یکدیگر سود برند و برگی بر اوراق پیشمار معرفت آدمی بیفزایند تا در آینده نزدیک با چاپ و پخش بررسیهای خود به‌عنوان مجموعه سخنرانیها، همگان را در این راه یاری کنند و بهره‌ای بخشند. بنابراین، حلقه‌ای بود صرفاً پژوهشی و دور از هر نوع قیل و قال و جنجالهای متداول روزا

زمان زمامداری صفویه در تاریخ ایران و جهان، از اولویت ویژه‌ای برخوردار است. مثلاً شاه عباس اول مشهور به شاه عباس بزرگ (۱۵۸۷-۱۶۲۹ / ۱۰۳۸-۱۱۹۵) که پیش از ۴۰ سال بر تخت شاهی تکیه زد، معاصر ملکه الیزابت اول در انگلستان (۱۵۳۳-۱۶۰۳) با ۴۴ سال سلطنت در دوران شکوفایی ویلیام شکسپیر (۱۵۶۴-۱۶۱۶) نامدارترین چهره ادبیات آن کشور، و هانری چهارم و لوئی سیزدهم در فرانسه، و اکبر (۱۵۴۲-۱۶۰۵) بزرگترین امپراتور گورکانی (مغول) در هندوستان بوده است، و این امر مایه مناسبی جهت یک بررسی تطبیقی در تاریخ این کشورها محسوب می‌شود.

تاریخ، مذهب، هنر، سیاست، نظام اجتماعی و نهایتاً برخورد با جهان غرب، از ویژگیهای برجسته و مؤثر این عصر به‌شمار می‌رود [این که دوره قاجاریه به‌نادرست، زمان آغاز برخورد با جهان غرب تلقی شده است، باعث می‌شود که این ویژگی در مورد صفویه از یاد برود و این برخورد و نوآوری یا اثرپذیری اوضاع سیاسی-اجتماعی ایران، به‌حساب قرن بعدی یعنی دوره قاجاریه گذارده شود!] چه این دودمان به‌مدت بیش از دو قرن - که سراسر قرون ۱۶ و ۱۷ و نیمه اول قرن ۱۸ میلادی مطابق با قرون ۱۰ و ۱۱ و نیمه اول قرن ۱۲ هجری قمری (۹۰۴-۱۱۴۹ / ۱۴۹۹-۱۷۳۶) را دربر می‌گیرد - با انتخاب و

تفسیر سه پایتخت یعنی تبریز و قزوین و اصفهان زمانی بسیار حساس در تاریخ ایران به وجود آورد به طوری که باید آن را نقطه اوج قرون اخیر اگر نه زمانه زرین و یا رنسانس ایران قلمداد کرد - که کمتر از پنجاه سال پس از رنسانس جهانگیر غرب صورت پذیرفت.

تحکیم تشیع به منزله مذهب رسمی در ایران و سپس در چند منطقه همسایه، بزرگترین پیروزی صفویه و آغاز تاریخ نوین مذهبی ایران به حساب می آید که امروز در حدود ۸۰ میلیون نفر از آنان در برابر ۸۰۰ میلیون تن سنیان جهان، توانسته اند به زندگانی و شعائر مذهبی خود ادامه دهند. حمله افاغنه اهل تسنن و فرمانروایی نادرشاه اهل شمشیر (۱۱۴۸-۱۱۶۰ / ۱۷۳۶-۱۷۴۷)، سپس دوران زندیه (۱۷۵۱-۱۷۹۴) و بعد از آن تا زمان فتحعلی شاه قاجار (۱۷۹۷-۱۸۳۴) که قریب به یک صد سالی انجامید و یک نوع دوره کوتاه فترت مذهبی به وجود آورد، نتوانست از رواج تشیع جلوگیری کند، تا سرانجام شاه قاجار بر تخت سلطنت تکیه زد و روحانیت شیعه دوباره به حرکت افتاد. سپس، اگرچه شهر طهران به عنوان پایتخت (از دویست سال پیش تاکنون) برگزیده شده بود، اصفهان* پایتخت ۱۲۵ ساله شاه عباسی، توانست مرکزیت مذهبی خود را حفظ کند. مذهب در یک صد سال بعد، نقش عمده ای در امور کشوری داشت تا این که انقلاب مشروطیت در ۱۳۲۴ ق. / ۱۹۰۵ م. / ۱۲۸۵ ش. روی داد و بقیه قضایا ...

همه سخنرانان حلقه صفویه در اطاقهای پذیرایی ویژه مهمانان، در داخل پمبروک کالج، این چند روز را به سر می بردند و از سه وعده غذای روزانه نیز استفاده می کردند. هر سخنرانی بین ۲۵ تا ۴۰ دقیقه طول می کشید و سخنرانی از روی اوراق نوشته شده، صورت می گرفت. موضوعات سخن، بسیار متنوع بود که در زیر خواهد آمد. سه تن از بیست تن پژوهشگران سخنران، از نسل جوان «طبقه نساء» بودند که پا به پای همکاران * اصفهان از زمان شاه عباس بزرگ، مرکز نقل ایران گردید و به خاطر فعالیتهای هنری و صنایع دستی و زیبایی شهر و بناها به «نصف جهان» شهرت یافت. میدان بزرگ اصفهان معروف به میدان شاه در مدت ۲۰ سال از ۱۰۰۶ تا ۱۰۲۶ / ۱۵۹۷-۱۶۱۷ در ابعاد قریب به ۵۵۰ X ۱۷۰ متر یعنی به مساحتی قریب به ۱۰ هزار متر مربع ساخته شد. تاسیس هربرت، سیاح انگلیسی در ۱۶۳۸ م. از اصفهان دیدار کرد و در مقایسه با میدانهایی در لندن و پاریس، این میدان اصفهان را ۶ بار بزرگتر دانست، می گوید: «بدون تردید، میدان یا بازار بزرگ اصفهان، پهناورترین و دلپذیرترین و خوشبوترین بازار عالم است.» این میدان که زمین بازی چوگان هم بود، همراه با ساختمانهای آن، حدود نیم قرن پیش از کاخ روسای (۱۶۲۴-۱۶۸۲) در فرانسه، بنا گردید. اکنون چهارصدمین سالگرد انتخاب اصفهان به پایتختی ایران توسط شاه عباس اول می باشد.

مرد میانسال و پا به سن، توانستند به خوبی از عهده کار برآیند و تحسین همگان را برانگیزند. تمامی سخنرانیها به زبان انگلیسی بود و چکیده بیشتر آنها نیز به صورت اوراق زیراکس شده، در دسترس علاقه‌مندان قرار داشت. میان سخنرانیهای صبح و همچنین عصر، فرصتی جهت استراحت و صرف چای و قهوه وجود داشت. ولی هنگام ظهر از ساعت ۱ بعدازظهر که همه شرکت‌کنندگان برای صرف ناهار در سالن مخصوص غذاخوری قدیمی همان کالج که بر دیوارهای آن تصاویر بزرگ نقاشی شده بزرگان آن کالج در طی قرون، نصب شده بود، به دور میز طولانی مستطیل قرار می‌گرفتند، فرصت دیگری برای آشنایی بیشتر با یکدیگر محسوب می‌شد.

تهیه یک کتابشناسی توصیفی و انتقادی صفویه، می‌تواند موضوع رسالات علمی قرار گیرد، به‌ویژه اگر به کثرت سیاحان و سفرنامه‌هایشان توجه شود، دیده خواهد شد که چه جنبشی مثلاً در تاریخ‌نگاری صفوی به‌وجود آمده است. سفرنامه‌های خارجیان در مورد ایران - از زمان رنسانس غرب یعنی از نیمه قرن ۱۵م. حتی تا نیمه قرن بیستم میلادی - را می‌توان از ارکان منابع تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، آداب و رسوم، و مسائل اجتماعی دانست که مقدار زیادی از دیدگاههای آنان در آثار وقایع‌نگاران و مورخان ایرانی دیده نمی‌شود و یا با دید دیگری به آنها نگریسته شده، و یا بسیاری از آن نوشته‌ها از صفحه تاریخ امروز به نابودی کشیده شده است، و نتیجه بسیاری از آن مطالب توسط جهانگردان به‌قید کتابت درآمده، و می‌توان امروزه به آنها پی‌برد و تاریخ شهرها و مردم‌شناسی و بوم‌شناسی و مانند آنها را با بررسی مجدد احیاء کرد و تاریخ نویسی در آن مایه‌ها تهیه نمود و به‌دست ابناء روزگار سپرد. خدمتی که این گزارشگران، به‌طور ناخواسته - بل به‌خاطر حس کنجکاوی و علاقه نویسی آنها - به گوشه‌هایی از تاریخ پانصد سال گذشته ایران انجام داده‌اند، جا دارد مورد بازبینی قرار گیرد.

برنامه حلقه صفویه در چهار برگ به همراه مقداری از چکیده سخنرانیها در داخل یک پوشه سفیدرنگ مرفوایی گلاسه قرار داشت که در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. روی این پوشه، یک مینیاتور با چاپ سیاه و سفید، شیخ زاهد گیلانی، مرشد روحانی شیخ صفی را نشان می‌دهد که در جلوی خانه خود کنار جوی آب، روی زانوان نشسته و در حال وضوگرفتن می‌باشد. اصل این تصویر مربوط به دستنویس سلسله‌النسب صفویه (قرن ۱۲/۱۷) از مجموعه براون است. روی این پوشه، در بالا و پایین تصویر، مشخصات برگزاری حلقه صفویه به انگلیسی آمده است که در ابتدای این گزارش دیده می‌شود، و ترجمه آن چنین است:

دومین میزگرد بین‌المللی
در باره ایران صفویه

پمبروک کالج، کمبریج
۱۱-۸ سپتامبر ۱۹۹۳ م.

جلسه اول

ساعت ۲-۳۰ دقیقه بعد از ظهر چهارشنبه ۸ سپتامبر ۱۹۹۳

سالهای شکل‌گیری

رئیس جلسه: چارلز مل‌ویل (Charles Melville)

مرتن، ساندی (S. Morton): بررسی نخستین سالهای سلطنت شاه اسماعیل.

کالمار، ژان (J. Calmard): شعائر و قدرت شیعه. تحکیم تشیع صفوی: ادبیات و مذهب همه‌پسند.

مک‌چزنی، رابرت (R. McChesney): «موانع بدعت؟» بازاندیشی روابط میان ایران و آسیای مرکزی

در قرن ۱۷ م.

جلسه دوم

ساعت ۹-۳۰ صبح پنجشنبه ۹ سپتامبر ۱۹۹۳

تاریخ‌نگاری، سیاست، زبان و ادبیات

رئیس جلسه: ساندی مرتن

کوئین، شوله (Sholeh Quinn): دیباچه کتابهای عصر صفویه

افشار، ایرج: اختلافاتی در چهار فرمان مشابه مورخ ۱۰۴۶-ق. (همدان، لنگر، قاین، یزد)

پری، جان (John Perry): زبان فارسی در عصر صفویه: طرحی برای یک حالت از زبان

جلسه سوم

ساعت ۲-۳۰ بعد از ظهر

شهرها و اجتماع

رئیس جلسه: راجر سیوری (Roger Savory)

اشراقی، احسان: قزوین، دومین پایتخت صفویه: جنبه‌های سیاسی و اجتماعی آن

هاندا، ماساشی (M. Haneda): شکل شهری کردن اصفهان در دوران پایانی صفویه

امرسن، جان (J. Emerson): بر پایه منابع اروپایی (یا: تاریخ و دموگرافی ایران صفویه)

ماتهی، رودی (Rudi Matthee): شهرهای بدون دیوار و چادرنشینان ناآرام: اسلحه گرم و باروت در

ایران صفویه

جلسه چهارم

ساعت ۹-۳۰ صبح جمعه ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۳

دیانت و سیاست

رئیس جلسه: جان کوپر (John Cooper)

نیومن، اندرو (Andrew Newman): فیض کاشانی، میان مجتهد، نیمه مجتهد و نیمه محدث، و اخباری بابایان، کاترین (Kathryn Babayan): ردیه بر صوفیه: نشانه‌ای از زوال قزلباشان
ملویل، چارلز (C. Melville): زیارت و سیاست در دوره صوفیه: نمونه‌ای از شاه عباس اول.

جلسه پنجم

ساعت ۲-۳۰ بعد از ظهر

نقاشی و فلزکاری [با اسلاید]

رئیس جلسه: شهریار عدل

لوفت، پل (Paul Luft): تصویر پیامبران و امامان در نقاشیهای دوره پایانی عصر تیموریه و صفویه
هیلن براند، رابرت (R. Hillenbrand): ملاحظاتی در باب شمایل‌سازی شاهنامه شاهی
آلن، جیمز (James Allan): ولادکاری در دوره صفویه
ملیکیان شیروانی، سورن (S. Melikian-Chirvani): نمونه‌های شعری در فلزکاری قرن ۱۶م. ایران.
تأثیر متقابل ایمازهای بصری و ادبی

جلسه ششم

ساعت ۹-۳۰ صبح شنبه ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۳

حیات سیاسی و اقتصادی

رئیس جلسه: پتر ایوری (Peter Avery)

هرزیگ، ادموند (Edmond Herzig): پیدایش بازرگانان جلفا
فلور، ویلم (Willem Floor): تولید و تجارت فرش در ایران صفویه
شوپه، ماریا (Maria Szuppe): بستگیهای خوشاوندی با صفویه در میان ایران قزلباش در پایان قرن
۱۶ میلادی ایران: زندگی سیاسی اعضای خاندان شرف‌الدین اوغلو تکلو

همزمان با برگزاری حلقه صفویه، به کوشش خانم جیل باورت، مسوول و کتابدار ایران‌دوست و اسلام‌شناس و کارکنه بخش خاورمیانه این کتابخانه، یک نمایشگاه مختصر ولی مفید از گنجینه آثار خطی و چاپی مربوط به دوران صفویه، شامل قریب به ۳۰ اثر که روی ۸ میز شیشه‌دار در دو سمت سالن ورودی کتابخانه ۷-۸ میلیون قلمی کتابخانه عظیم و غنی دارالفنون کمبریج قرار داشت،* برای دیدار همه دانشگاهیان و

* ترتیب نمایشگاه:

میز اول - تاریخ عمومی و اساسی شامل دسترس‌هایی مآخذ:

۱- سلسله‌النسب صفویه؛ ۲- تاریخ سلطانی؛ ۳- تاریخ شاه اسماعیل صفوی؛ ۴- فوائدالصفویه.

دوستانان به مدت یک هفته برپا گردید. مقداری از کتب چاپ اول سیاحان به صورت باز با تصاویر و مناظر طولانی سیاه و سفید و چند دستنویس فارسی با مینیاتورهای رنگین ایرانی، دیدگان هر بیننده را به خود جلب می کرد و زمانی او را در حال و هوای اصفهان صفویه و «سرزمین صوفی سترگ» قرار می داد...

در به کمال رساندن این نمایشگاه، خانم یاورت، همت و ذوق بیشتری از خود نشان داده بود، بدین ترتیب که یک معرفی کوتاه شش صفحه‌ای بر روی سه برگ، شامل یک مقدمه و شرح هر یک از اقلام نمایشگاه را به سلیقه خود - در زمان کوتاهی - آماده کرده و در دسترس علاقه‌مندان قرار داده بود که این خود علاقه و آگاهی او به تاریخ ایران را نشان می دهد. و نهایتاً - همان گونه که در پیش اشاره رفت - باید به این نکته ضروری توجه گردد که بار سنگین مسؤلیت تشکیل این حلقه صفویه و امور فراوان

میز دم - تک نگاریهایی مانند:

۱ - صفوة الصفا؛ ۲ - شاهنامه شاه اسمعیل؛ ۳ - تاریخ عالم آرای عباسی؛ ۴ - زیدة التواریخ؛ ۵ - تحفة سامی

میز سوم - اشعار شاعران:

۱ - دیوان هلالی؛ ۲ - لیلی و مجنون هاتفی؛ ۳ - دیوان صائب؛ ۴ - اشعار ترکی شاه اسمعیل (چاپ باکو ۱۹۸۸ م.)؛
۵ - خنک نظامی؛ ۶ - منظومه فرهاد و شیرین از وحشی باقعی.

میز چهارم - اسالیب معاصر تذهیب کاری:

۱ - عجایب المخلوقات قزوینی؛ ۲ - شاهنامه فردوسی (فرون ۱۶ و ۱۷ م.)

میز پنجم - مذهب:

۱ - تلخیص المقال فی تحقیق احوال الرجال؛ ۲ - کتاب لواصع الربانیة فی رد الشبهات النصرانیة؛ ۳ - کشف کل

عاملی؛ ۴ - جامع عباسی عاملی؛ ۵ - افق السین میرداماد؛ ۶ - مفاتیح الشرایع؛ ۷ - زاد المعاد

میز ششم - مؤلفان ایرانی و اروپایی:

۱ - مجمع الفرس سروری؛ ۲ - ترجمان القرآن؛ ۳ - قرابادین شفتالی؛ ۴ - داروشناسی ایران [ترجمه از اثر پیشین

به فرانسه] (پاریس ۱۶۸۱ م.)؛ ۵ - هربرت، تامس: سیاحتی در ۱۶۱۰ م. (چاپ سوم ۱۶۴۲ م.)

میز هفتم - سیاست و تجارت [آثار جایی خارجیان]:

۱ - هان ری، جوناس: شرح تاریخی تجارت بریتانیا... (لندن، ۱۷۵۴ م.)؛ ۲ - سفارت ایتالیا در طهران (طهران،

۱۹۹۰ م.)؛ ۳ - هربرت تامس: سفرنامه (چاپ سوم، لندن، ۱۶۶۵ م.)؛ ۴ - واله، پیترو دلا: سفرنامه (وینز، ۱۶۲۸ م.)؛ ۵ -

تاورییه، ژان باپتیست: سفرنامه (لندن ۱۶۴۸ م.)؛ ۶ - هربرت، تامس: سفرنامه (لندن ۱۶۳۸ م.)

میز هشتم - دیدگاه‌های سیاحان:

۱ - بروین، کورتلیس دو: سفرنامه (آمستردام، ۱۷۱۸ م.)؛ ۲ - شاردن، ژان: سفرنامه (آمستردام، ۱۷۱۱ م.)

مربوط به آن، همگی بر دوش پرتوان و همت والا و دست‌تنبهای ایران‌شناس با ذوق دانشگاه کمبریج یعنی پروفیسور مل‌ویل قرار داشت. باید از ایشان سپاسگزار بود که با تمامی سختی زمانه، توانست با گردآوری ۳۰ تا ۶۰ تن در یکی از معدود مراکز کهن علمی جهان که خود هم‌اکنون از افتخارات آن‌جاست، و در عین حال وارث ثمره علمی استادان پیشین خود در انگلستان می‌باشد، چند روز و شب، هوش و گوش همه را متوجه تاریخ پر نشیب و فراز ایران بنماید و عده‌ای از ایرانیان غربت‌زده (نه غرب‌زده!) را به یاد گذشته‌ها بیندازد. این همه را باید از برکت وجود نیک‌اندیش و دانش دوست این پژوهشگر راستین دانست که بی‌چشمداشتی دست به چنین اقدام بزرگ فرهنگی زد.

یک روز هم پس از صرف ناهار در پمبروک کالج، به پیشنهاد پروفیسور مل‌ویل که خود عضو همین کالج است، این کامیابی نصیب شرکت کنندگان شد که از اقامتگاه یکی از استادان سلف وی یعنی مرحوم پروفیسور ادوارد براون، نام‌آورترین ایران‌شناس انگلیسی در قرن بیستم (۱۸۶۲-۱۹۲۶م.) در این کالج بازدید به عمل آید. اطاق وسیع او با همان فرش سراسری که در برخی جاها «نخ‌نما» شده بود، و یک میز بزرگ و تعدادی صندلی نگهداری شده است و چند عدد تصویر هم بر روی دیوارها قرار داشت. بقیه وسائل آن اطاق دل و دانش، که چهل سالی محل پژوهشهای براون و حلقه‌های شبانه‌روزی درس و بحث طالبان معارف شرق و غرب، و مرکز مکاتبات بیشمار وی بود، باید به خانواده او برگردانده شده باشد. کتب و تمامی آثار و نوشته‌های او بعد از وفاتش که در ۶۴ سالگی اتفاق افتاد، به کتابخانه دانشگاه کمبریج اهداء گردید.

جا داشت که این حلقه، به نام مرحوم لارنس لاکهارت (Laurence Lockhart) ۱ (۱۸۹۰-۱۹۷۵م.) که از دانش‌اندوختگان توانای همین پمبروک کالج بود و سپس از مشاهیر تاریخ‌نگاری صفویه در انگلستان گردید، نام‌گذاری می‌شد و یا به نام وی گشایش می‌یافت تا از وی که صفحات سقوط سلسله صفویه و نام‌آوری نادرشاه افشار، مدیون قلم اوست یاد می‌شد و بزرگداشتی از او به عمل می‌آمد. وی از ایران‌دوستانی بود که سالها در ایران به خدمت اشتغال داشت.

چنان که در آغاز این گزارش گفته شد، سرانجام در ساعت ۳۰-۱۲ دقیقه نیمروز شب ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۳م. دومین حلقه بین‌المللی در باب ایران صفویه به پایان آمد. در این هنگام پروفیسور مل‌ویل، همچون شب پیش که در مجلس مهمانی گرم و دوستانه، طی سخنان کوتاهی از همه شرکت‌کنندگان و دعوت‌شدگان اظهار امتنان کرد، در این‌جا هم

یک بار دیگر از حضور همه قدردانی نمود. سپس استاد ایرج افشار، که وی نیز در شب پیش به سخنان پروفیسور مل ویل در آن مجلس مهمانی که قریب به ۲۵ تن از ایرانیان هم حضور داشتند، پاسخ داده بود، به پا خاست و با گفتاری کوتاه ولی بسیار فصیح و رسا به زبان فارسی نه تنها از برگزارکنندگان این حلقه علمی سپاسگزاری کرد، بل سخنان تمامی پژوهشگران را در طی چند دقیقه آنچنان تلخیص و جمع بندی کرد که پس از پایان بیانات او، از فرط کف زدن حضار و تحسین یکایک آنان از زیبایی گفتار این استاد ایرانی و نوع تنظیم کلام وی، شور و هیجانی در این سالن قدیمی به وجود آمد، به طوری که یکایک افراد حاضر به وی دست داده از او تشکر نمودند. وی گفت در این دم واپسین جلسه پایانی، به این دلیل به زبان فارسی سخن می گوید که مردان بزرگی همچون براون، نیکلسن، مینورسکی، لیوی، آربری در دانشگاه کمبریج برای نشر زبان فارسی و فرهنگ ایران زمین، در طول یک قرن اخیر کوششهای فراوانی کرده اند، بنابراین جهت ادامه سنت دیرینه و پسندیده آنان، بهتر دانسته شد که چند کلمه ای به یاد آن بزرگان و کشور ایران به زبان فارسی ایراد شود.

ساعتی بعد، پس از صرف ناهار آخر در کالج و گرفتن چند عکس یادبود از تعداد کسانی که باقی مانده بودند، این حلقه علمی تا تشکیل دوباره آن، به مدت ۴ سال در محاق تعطیل قرار گرفت. ولی حکایت تاریخ ایران همچنان باقی است... که در این جا به گوشه ای از آن می پردازیم:

خلاصه سخنرانیها: *م. انانی و مطالعات فرنگی*
 مرتن (از دانشگاه لندن): «بررسی نخستین سالهای سلطنت شاه اسماعیل»
 یکی از مفصل ترین گزارشهای مربوط به سالهای نخستین سلطنت شاه اسماعیل، کتابی است که دنیس راس از روی یک اثر ناشناخته در شرح حال اسماعیل، در ۱۸۹۶م. منتشر ساخت. مدتها تصور می شد که این کتاب، مربوط به زمان طهماسب است. بررسیهای اخیر نشان داده است که این اثر مربوط به سالهای متأخر است و به منزله یک مرجع تاریخی، از ارزش مستقل کمی برخوردار است.

مقداری از حوادث اوائل زندگانی اسماعیل (از ۱۴۸۷ تا حدود ۱۵۰۰م.) در این اثر مبتنی بر پایه یک اثر قرن ۱۷ میلادی است که از میان رفته ولی شناخته شده و نامعتبر است، و کمی هم بر حیب السیر (سال ۱۵۲۴م.) متکی است، و تا اندازه ای هم بر شالوده *احسن التواریخ حسن روملو* تألیف ۹۳۵ق. / ۱۵۷۷م. می باشد.

نتم
 یق
 با
 بن
 سی
 چه
 را
 ت
 گی
 که
 گاه
 اس
 او
 و
 ت
 ات
 ود
 تش
 ۱ (I)
 از
 یش
 قلم
 که
 شنبه
 این
 طی
 ناهم

نسخه همانندی از برخی جنبات با کار روملو در افضل التواریخ فضل اصفهانی (در جریان سالهای ۱۶۱۷ تا ۱۶۳۹م.) حفظ شده است. به هر حال، میان این دو اثر اختلافاتی وجود دارد که چشمگیرترین آن، مکان مهمی است که در افضل التواریخ به ابراهیم، برادر بزرگتر اسماعیل داده شده است زیرا انتظار می‌رفت که وی به سبب بزرگتر بودن، پیش از اسماعیل به سلطنت صفویه برسد.

نتیجه‌ای که از مقایسه این دو اثر به دست می‌آید، نشان می‌دهد که تنوع روایاتی که به خوبی تکامل یافته و شامل اوائل زندگی اسماعیل و احتمالاً سایر حوادث است و تا اندازه‌ای هم به طور شفاهی جریان داشته، غالباً نشانگر شواهدی در یک نوع ارتباط با شهر اردبیل می‌باشد که همه اینها در میانه قرن ۱۶م. اگر نه بیشتر از آن، وجود داشته است.

کالمار (از پاریس): «شعائر و قدرت شیعه. تحکیم تشیع صفوی. ادبیات و مذهب همه پسند»

من در اولین حلقه صفویه کوشیدم تا وقایع تکلیف امامت و طرز برخورد قدرت صفویه در مورد شعائر شیعی و به ویژه مراسم تعزیه را که قبلاً در جهان ترک و ایرانی از زمان سلاجقه در همه جا متداول بود، مختصراً شرح بدهم. بخش مقدماتی آن عمده درباره بررسی لعن (دو یا سه خلیفه اول و سایر دشمنان اهل بیت، منتشر شده است. در سخنرانی امروز، مایلم مطلب خود را به قدرت صفویه و کمکهای مدنی و مذهبی آن برای تقویت پیوند همه پسند با تشیع، اختصاص دهم. این تجزیه و تحلیل بیشتر با طرز برخورد قدرت مرکزی و محلی و علماً نسبت به شعائر و ادبیات همه پسند مربوط به یادگارهای شیعی سر و کار خواهد داشت. این پژوهش بر پایه سه نکته اصلی تمرکز یافته است:

۱- ادبیات همه پسند و آداب شیعی: در میان متونی که دست کم مقداری از آنها به ستایش اهل بیت و تعزیه کربلا و انتقام آن، اختصاص یافته، مختصراً چنین مورد بررسی قرار می‌گیرد: شاه اسماعیل / دیوان خطاتی (که به طور وسیعی میان قزلباشان و گروههای مربوط به بدعت‌گذاران وجود دارد)؛ ابومسلم‌نامه‌ها (گرچه این متون برای تبلیغات صفویه بود، به وسیله برخی از علماء شدیداً مردود شناخته می‌شد)؛ متون منسوب به محمد بن حنفی که به عنوان «انتقام گیرنده» خون امام حسین معرفی گردیده؛ متونی که به مختار اختصاص یافته (علی‌رغم گرایش گنگ او، این انتقام گیرنده موثق خون حسین

با آداب شیعیان آمیخته و پیوند خورده است)؛ مقتلنامه‌ها و به‌ویژه روضه‌الشهداء کاشفی (اگرچه کاربرد آنها به دست روضه‌خوانان در زمانهای بعدی دیده شده است، همراه با مراسمی محشم یک نوع کتاب روزانه دعا برای مبلغان و پیشنمازان در مراسم محرم را تشکیل می‌دهند).

۲ - مراسم شیعی: اگرچه این موضوع شامل برخی گردهماییهای سرورآمیز است (سالگردهای ولادت اهل بیت و امامان، عید غدیرخیم، عید قربان و غیره)، لکن آن حالت کلی، در مراسم عزاداری به یاد شهادت امام علی (۲۱ رمضان) و مراسم محرم، به‌خوبی در آنها دیده می‌شود. این مراسم، اشکالانی در این موارد ایجاد می‌کند: مدت ایام یادبود (۱۰، ۱۲، ۱۳ روز یا بیشتر؟)؛ نشان دادن خودآزاری (= قمه زدن)، وجوه نمایی جنگ امام حسین و غیره.

۳ - طرز برخورد قدرتهای مرکزی و محلی در جهت بازسازی شعائر موجود پیشین و بازشناسی و توسعه آنها از طریق حمایت رسمی، در پایان سخن مورد بررسی قرار گرفته است.

مک‌چزنی (از دانشگاه نیویورک): «موانع بدعت؟ بازاندیشی روابط میان ایران و

آسیای مرکزی در قرن ۱۷م.»

طبق تصورات تاریخ نگاری حاکم، تشکیل حکومت صفویه با هویت اصلی تشیع دوازده امامی، «قلب اسلام را دوباره کرد» به‌طوری که حکومت نئو‌چنگیزی آسیای مرکزی را از دیگر پیروان اهل تسنن در غرب ایران مجزا نمود. از این موضوع فرضیات دیگری به‌وجود آمد مانند ناسازگاری همیشگی و حالت کشمکش میان ایران و آسیای مرکزی و یک «افول» فرهنگی در آسیای مرکزی به‌خاطر مجزا و تنها ماندنش. این سخنرانی برخی از مفروضاتی را که در پشت قضیه روابط میان ایران و آسیای مرکزی و ماندگاری تصورات در سنت تاریخ‌نگاری غربی قرار دارد، مورد بررسی قرار می‌دهد. سپس رسیدگی برخی از عوامل فرهنگی پیش خواهد آمد که به نظر متناقض است یا دست‌کم نیازی به‌حک و اصلاح شرح مناسبات ایران و آسیای مرکزی دارد.

سرانجام، نکاتی برای پژوهش در ارزشیابی پیوستگیهای میان دو منطقه، دو ملت و دو حکومت صفویه و طغای تیموری که بر آنان حاکم بودند، مطرح می‌شود.

یری* (از دانشگاه شیکاگو): «زبان فارسی در عصر صفویه: طرحی برای یک حالت از زبان»

زبان فارسی در سه چهار قرن گذشته چگونه تکلم می‌شد؟ روشن است که ما نمی‌توانیم سندی مستقیم در دست داشته باشیم، زیرا کسانی که به آن زبان مکالمه می‌کردند، هیچ اثر شنیدنی ضبط‌شده به‌جا نگذاشته‌اند، و حتی چیزی از نوشته‌های آنان در مورد تلفظ تقریبی و اصطلاحات محاوره‌ای آن دوران هم در دست نیست. از شواهد ادبی می‌توان برخی تغییرات را شناسایی کرد (به‌ویژه نبودن حروف صدادار مجهول) که قبلاً فارسی فلات غرب و فارسی افغانستان و آسیای مرکزی را از هم جدا می‌کرد. اضافه بر بیگانگی فزاینده فرهنگی و سیاسی در شمال شرقی و جنوب غربی ایران، نفوذ و

* در این‌جا خاطره‌ای از این سخنران دارم که به کوتاهی نقل می‌شود: نگارنده در ۱۹۶۷م. زمانی که همراه عده‌ای از دانشجویان شرقی و غربی در قسمت شرق‌شناسی دانشگاه کمبریج مشغول تحصیل بود، در یک ناهارخیزی همگانی در شهر، با جوانی که قدی کوتاه و عینک بر چشمان داشت، آشنا شدم که در قسمت ایران‌شناسی به پژوهش می‌پرداخت. چون در ابتدای آشنایی متوجه نام او نشدم، به اجبار نام او را پرسیدم. در این هنگام او پاسخ داد: جن و پری! من حیرت‌زده ماندم که این دیگر چه معنوی است؟ زیرا خوردم از دوران نوجوانی اهل تیسیر و تحریف کنلمات و بازی با اسامی و چنین ریزه‌کاری‌هایی بوده‌ام. از همان لحظه دانستم که این جوان هشیار و فارسی‌دوست، یسوده و قش را در ایران و آشنایی با تاریخ و زبان آن صرف نکرده، و می‌داند که چه می‌گوید و چه می‌خواهد!

وی در تاریخ زندگی پژوهش نمود و سپس انگلستان را ترک کرد و در دانشگاه شیکاگو در امریکا مشغول تدریس زبان فارسی گردید. اخیراً او در زمینه همین سخنرانی خود، یک کار فنی و با ارزش درباره گوشه‌ای از زبان فارسی انجام داده که در ۱۹۹۱م. در امریکا به چاپ رسید.

جان امرسن نیز در همان زمان با ما بود و در تاریخ صفویه پژوهش می‌کرد و اینک در هاروارد، امریکا مشغول کار است. باری پس از یک ربع قرن دوری و جدایی، کامیابی نصیب شد تا از این دو جوان انگلیسی آن روزگاران دهه ۱۹۶۰م. (دهه ویژه‌ای در نیمه دوم قرن بیستم در انگلستان) که متخصصان تاریخ ایران و زبان فارسی این روزگاران در امریکا هستند، در همین دانشگاه کمبریج دیداری دست‌دهد؛ ولی با گذشت زمان، اولی به همان قد و قواره مانده فقط کمی فربه شده بود و با صدایی بسیار پایین سخن می‌گفت، و دومی با قدی بلند و تومند، سری تاس با مقداری موی سفید در اطراف و با روی سرخ ولی با صدایی بلند و خنده‌های بلندتر از صحبت کردنش، در جلسات حاضر می‌شد.

رسالة جان پری، تاریخ زندگی به انگلیسی است که در ۱۹۷۹م. چاپ و منتشر شد و سپس به فارسی ترجمه گردید. او با زبانهای فارسی و عربی و ترکی و... چند زبان اروپایی آشنایی کاملی دارد و فارسی را بسیار خوب می‌داند و مقالات زیادی در کتب مرجع در باب تاریخ ایران چاپ کرده است.

تسلط سیاسی ترک‌زبانان و برتری روزافزون شکل‌های محلی عبارات مذهبی هم وجود داشت.

شواهد جسته‌گریخته موجود در انواع منابع را می‌توان با هم مقابله کرد تا برخی از وجوه صداشناسی (فونولوژی)، شکل‌شناسی (مورفولوژی)، لغت‌شناسی (lexicon)، نحو و کاربردهای اجتماعی زبان فارسی را به‌دقت تهیه نمود. همان‌گونه که چنین تحولاتی وجود داشته و با کاربرد مشخص پیش از دوره «بزرگ» صفویه و پس از آن، یعنی از حدود ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰م. متفاوت بوده‌اند.

چنین شواهدی، شامل چگونگی املاء و اسلوب متون معاصر آن زمان، همراه با مشاهدات و اظهار عقیده سیاحان خارجی از ایران به‌ویژه یک نفر سیاح اروپایی (به‌نام تامس هربرت ۱۶۲۷-۱۶۲۹م.) می‌باشد که یک مجموعه اصطلاحات فارسی محاوره‌ای را تهیه نموده است.

کمبریج، انگلستان

یادداشتها:

۱- لارنس لاکهارت در ۱۸۹۰م. در یک خانواده اهل علم اسکاتلند به دنیا آمد. پس از گذراندن دروس مقدماتی، تحصیلات دانشگاهی را با ورود به پیروک کالج در دانشگاه کمبریج آغاز کرد، و بدین سان مسیر زندگی وی مشخص گردید. پس از تحصیل در رشته تاریخ، از سال ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۴م. برای آموزش زبانهای عربی و فارسی در حلقهات درس بزرگان زمان مانند براون (۱۸۶۲-۱۹۳۶م.) ایران‌شناس و فارسی‌دان، و بیوان (۱۸۵۹-۱۹۳۳م.) اسلام‌شناس و عربی‌دان، و نیکلسن (۱۸۶۸-۱۹۱۵م.) مجموعه دو تن پیشین که استادان وی نیز بوده‌اند و عرفان‌شناس، حاضر شد و از خرمن دانش ایشان در زبان و ادبیات ایران و عرب و اسلام‌شناسی، خوشه‌ها برچید، تا این که آزمایشهای خود را با درجه ممتاز گذراند. شاید کمتر کسی تاکنون در طول تحصیل این سعادت را داشت که در آن واحد، پای درس این سه استاد فحل زانو بزند و معرفت یبندد.

لاکهارت در مدت جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م.) در وزارت امور خارجه انگلستان اشتغال داشت و مدتی هم قنصل دولت خود در اصفهان بود. سپس در قسمت فرهنگی شرکت نفت انگلیس و ایران مأمور خدمت شد. در این مأموریت الزاماً مسافرت‌های فراوانی در داخل ایران انجام داد و با استفاده از فرصت به سائقه ذوق علمی و علاقه به ایران، در تاریخ قرن ۱۸م. ایران پژوهش نمود. نتیجه آن پژوهش، رساله‌ای مهم در باب نادرشاه افشار (۱۱۴۸-۱۱۶۰/۱۷۳۶-۱۷۴۷) است که مولف در سن ۴۵ سالگی (۱۹۳۵م.) آن را بر پایه نسخ خطی و چاپین معاصر موضوع به پایان رسانید و با تسلیم به دانشگاه لندن، درجه اجتهاد یعنی دکتری دریافت کرد. مولف این اثر خود را به یاد استادش، ادوارد براون، تقدیم نمود. سپس این رساله در ۱۹۳۸م. در ۳۵۰ صفحه بزرگ و مصور با نقشه ایران به چاپ رسید. [نسخه ناقصی از این اثر به ترجمه و اقتباس مشفق همدانی، از سوی کتابفروشی این‌سینا به قطع کوچک در ۳۵۰ صفحه کاغذ کاهی، با جلد زیرکوب، بدون فهرست و حواشی و کتابشناسی در طهران در ۱۳۳۱/۱۹۵۲ منتشر شد. این کتاب در سال ۲۵۳۷ از سوی انتشارات امیرکبیر به قطع جیبی عیناً انست شد].

او در زمان جنگ دوم جهانی (۱۹۳۹-۱۹۴۵م.) در نیروی هوایی انگلستان خدمت کرد. بعد با استفاده از اسناد

گردآوری شده به تهیه رساله ارزنده دیگری در تاریخ صفویه هشت گماشت و سرانجام، نتیجه بیست سال تجسس دامنه‌دار و وقت‌گیر خود را — در حالی که به ۶۵ سالگی رسیده بود — به دانشگاه کمبریج تسلیم کرد و به خاطر ارزش والای آن، به دریافت دومین درجه دکتری از آن دانشگاه نائل آمد. این رساله به‌عنوان مسقط سلسله صفویه و اشغال ایران به دست افغانه، در ۶۰۰ صفحه مصور و با نقشه، از سوی انتشارات دانشگاه کمبریج در ۱۹۵۸م. نشر یافت. این اثر، نیروی استفاده از سرچشمه‌های معاصر در زبانهای گونه‌گون را نشان می‌دهد و دقت و موشکافی علمی مولف را به اثبات می‌رساند. [از این رساله دو ترجمه به فارسی صورت گرفته با این مشخصات: انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران، ترجمه مصطفی قلی عماد، تهران، ۱۳۴۳ (ص ۱۶+۶۴) این ترجمه در سال ۱۳۶۴ از سوی انتشارات مروارید افست شد؛ و... ترجمه اسمعیل دولتشاهی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۴ (ص ۶۸۷، مصور)].

لکه‌بارت به‌منظور گسترش و پیشرفت درک فرهنگی با ایران، همیشه آمادگی داشت. از ابتدای تشکیل انجمن ایران در ۱۹۲۶م. در انگلستان، وی جزو مشاوران آن بود. همچنین او عضویت شورای مرکزی «انستیتی بریتانیایی ایران‌شناسی» را از ابتدای تشکیل آن در ۱۹۶۳م. (در ایران و انگلستان) تا زمان وفاتش در ۱۹۷۵م. برعهده داشت. او ادیتور مجله این انستیتو به‌نام «ایران» (IRAN) در چهار سال اول آن (۱۹۶۳-۱۹۶۶) بود. مقالات او به انگلیسی در این مجله (مجلد ۴ و ۶) و جاهای دیگر، بیانگر احاطه او بر سرچشمه‌های نخستین و کاربرد عالمانه از آنهاست. وی زبانهای ایتالیایی و اسپانیایی را هم به‌خوبی می‌دانست. همچنین مقالاتی در باب تاریخ ایران و نفت دارد که برخی از آنها در مطبوعات ایران مانند روزنامه اطلاعات طهران قریب به ۴۰ سال پیش به‌چاپ رسیده است.

او عضو گروه ویراستاران تاریخ ایران طبع کمبریج از ابتدای آن در ۱۹۶۱م. هم بود و مسؤولیت ویراستاری جلد ۶ (از مجموعه ۸ مجلد ضخیم) شامل دوره تیموری و صفوی را به‌عنوان ویراستار برعهده داشت که ده سال پس از وفاتش یعنی در ۱۹۸۶م. در ۱۱۰۰ صفحه مصور انتشار یافت. در همین مجلد، یک مقاله مفصل و با اهمیت در تاریخ اجتماعی و اقتصادی صفویه و برخورد اروپاییان با ایران بر اساس منابع خارجی از وی دیده می‌شود که موضوع پژوهش آن، دلچسب‌ترین کاری بود که در مدت بازتشناسی خود در سن ۷۰ سالگی، از ۱۹۶۰م. با اسکانِ هیشگی در کمبریج، به‌انجام رساند.

وی عمکای هنرمندی هم بود. کتاب بسیار جالب او به‌عنوان «شهرهای مشهور ایران» (*Famous Cities of Iran*) [شرح ۱۵ شهر] با تصاویر سیاه و سفید دیدنی که مقداری از آنها را خود وی تهیه کرده بود، در ۱۹۲۹م. در ۱۱۵ صفحه به‌اندازه بزرگ منتشر ساخت. دو سال بعد این کتاب به‌عنوان شهرهای ملی ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، در چاپخانه عرفان در اصفهان، در ۱۳۲۰ش، در ۱۵۲ صفحه بطور ناقص و نیز بدون تصاویر روی کاغذ کاهی و جلد شیز به قطع کوچک منتشر شد. بعداً این اثر با افزایش و ویرایش تازه به‌عنوان «شهرهای ایران» (*Persian Cities*) در ۱۹۶۰م. در ۱۹۲ صفحه و تصاویر تماشایی عمده از مولف با نقشه ایران نشر یافت و با کامیابی دوباره روبرو شد. کتاب دیگری باز در همین مایه ایران‌شناسی به‌عنوان «ایران» (*Persin*) با ۱۰۵ تصویر سیاه و سفید و ۵ تصویر بزرگ رنگی از A. Costa با مقدمه و توضیحات سی صفحه‌ای از لکه‌بارت در ۱۹۵۷م. مجدداً در ۱۹۶۱م. در قطع بزرگ به‌طبع رسید.

حاصل زندگانی پر بار علمی او — که مدتهای طولانی آن با شغل اداری توأم بود — همین چهار پنج جلد کتاب است که درتای آن برنده درجه اجتهاد از دو دانشگاه طراز اول جهان گردید، و همراه با قریب به ۲۰ مقاله وزین بود. آثار او حاکی از ارادتش به ایران و ایرانیان است. وی هرگز درجات علمی دانشگاهی را نردبان ترقی نساخت و به‌سان

حلقه صفویه در انگلستان

عده‌ای کم‌شمار معتقد بود که بدون رتبه‌ی استادی دانشگاه و حتی بدون درجه‌ی دکتری، می‌توان عالم بود و آدم ماند؛ و نهایتاً بدون کشیدن آن عناوین، در سن ۸۵ سالگی (۱۹۷۵م.) جان به جان آفرین تسلیم کرد. وی به کار اداری توجه ویژه‌ای داشت و خدمت به آب و خاک کشورش و دانش شناخت جهان را برتر می‌دانست. او دوبار ازدواج کرد. همسر اولش بنام بثاتریس، زنی اسکاتلندی و ثروتمند بود که پس از وفات، زن دیگری جاننشین او شد. لکهارت هم مانند استادش نیکلسن، بلاعقب زیست. ولی به تبع استاد دیگرش، براون، تعداد یک هزار جلد کتب نایاب فارسی و انگلیسی و غیره در زمینه‌ی ایران‌شناسی به‌جا گذاشت که همه در قست کتب نفیس کتابخانه‌ی دانشکده‌ی شرق‌شناسی دانشگاه کمبریج، نگهداری می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی